

دکتر ملیحه پورستار مهدادی\*

## پیدایش و تطور تفسیر اثری

### چکیده

در میان مباحث مختلف علوم قرآنی، بحث از مکاتب و روشهای تفسیری، جایگاه مهمی دارد. تفسیر اثری یکی از آن روشهاست که پیدایش آن به تاریخ تدوین حدیث مربوط است. سابقه این روش تفسیری به عصر پیامبر (ص) برمیگردد، چون طبق نص قرآن کریم، پیامبر گرامی اسلام نخستین مفسر و شارح قرآن می‌باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۱</sup>

این مقاله تلاشی است در جهت نشان دادن چهره‌ای روشن از این روش تفسیری، و دگرگونی‌هایی که این روش در طول نزدیک به دو قرن اول هجری، به خود دیده است.

## مقدمه:

مفسران برای کشف معانی و مقاصد آیات قرآن کریم، روشهای گوناگونی به کار می‌گیرند که این روشها به سبب تفاوت ابزار مورد استفاده آنان، با یکدیگر تفاوتهایی دارند.

تفسیر اثری با خصوصیات ویژه‌ای که دارد از ریشه‌دارترین روشها، در درک معانی و معارف آیات الهی می‌باشد. این شیوه تفسیری به طور عمده در چند مرحله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مرحله اول: عصر پیامبر اکرم (ص)

مرحله دوم: عصر صحابه

مرحله سوم: عصر تابعین و تابعین تابعین.

\*\*\*\*\*

## مدلول تفسیر در لغت و اصطلاح

کلمه تفسیر در لغت به معنای «روشن نمودن و تبیین» است. دانشمندان لغت معتقدند کلمه تفسیر از ریشه «فَسَّرَ» بوده و یا از ریشه «سَفَّرَ» می‌باشد که مقلوب فَسَّرَ است و هر دو به معنی کشف و برداشتن پرده و پوشش می‌باشد. مانند: «وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ»<sup>۲</sup> سوگند به صبح وقتی که روشن شده باشد و مانند: «أَسْفَرَتِ الْمَرْأَةُ عَنْ وَجْهِهَا» یعنی زن، روی باز نمود و صورتش نمایان گردید. تفاوت این دو در آن است که «سَفَّرَ»، اغلب به معنای کشف ظاهری و مادی و «فَسَّرَ» اغلب به معنای کشف باطنی و معنوی است.<sup>۳</sup>

ابن منظور می‌نویسد: «الْفَسْرُ: الْبَيَانُ وَ كَشْفُ الْمُعْطَى» به این معنی که فسر «بیان و کشف نمودن چیز پوشیده است.» و نیز می‌نویسد: «التفسير: كَشْفُ

المراد عن اللفظ المشكل»، تفسیر به معنای کشف نمودن معنای لفظ مشکل است.<sup>۴</sup>

ابن فارس می‌نویسد: «الْفَسْرُ تَدْلُّ عَلَى بَيَانِ شَيْءٍ وَ ابْضَاحِهِ» یعنی، فسر دلالت می‌کند بر بیان نمودن چیزی و روشن ساختن آن.<sup>۵</sup> زرقانی می‌گوید: «تفسیر علمی است که در آن از قرآن کریم بحث می‌شود، البته از جهت دلالتش بر مراد خداوند متعال، آن هم به قدر طاقت بشری.»<sup>۶</sup>

علامه طباطبایی می‌فرماید: «تفسیر، عبارت از بیان معنای آیات قرآن و روشن کردن اهداف و مدلول آن آیات می‌باشد.»<sup>۷</sup> بنابراین، می‌توان گفت: تفسیر روشن ساختن مفهوم آیات قرآن مجید و بیان مراد پروردگار عالم از آن است.

### مدلول اثر در لغت و اصطلاح

«اثر» در لغت به معنای بقیته شیء است؛ جمع آن آثار و اُثُور می‌باشد. اُثْرٌ به فتح همزه و ثاء؛ یعنی، آنچه از رسم چیزی باقی می‌ماند و تأثیر، ابقاء اثر در شیء است.

والأثر، یعنی خبر و جمع آن آثار است. چنانکه خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَوَكَّلْنَا مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ.»<sup>۸</sup> می‌نویسیم آنچه را که از اعمالشان به جای گذارده‌اند و می‌نویسیم آثارشان را؛ یعنی، هر کس سنت نیکو نهاد، ثوابش برای او نوشته شود و هر کس سنت بدی نهاد، عقابش برای او نوشته شود.<sup>۹</sup>

اثر: اثر هر شیئی، یافتن چیزی است که ما را به وجود آن شیء دلالت و راهنمایی می‌کند. و نیز به راهی که ما را به سوی آثار گذشتگان هدایت می‌کند،

آثار گویند؛ مانند، فرموده خداوند متعال:

«فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ»<sup>۱۰</sup>:

پس، ایشان به دنبال آنان می‌شتابند.

جوهری گوید: «أَثَرَتِ الْحَدِيثُ، وقتی آن را از غیر خویش ذکر

نمایی. و حدیث مأثور، حدیثی است که خلف از سلف آن را نقل می‌کند.»

شیخ بهایی در الوجیزه فرموده: «اثر مرادف با حدیث است و بعضی

آن را اعم از حدیث دانسته‌اند و جمعی اثر را به آنچه از صحابه نقل شود،

اختصاص داده‌اند.»

بنابراین در روش اثری، تفسیر قرآن با استفاده از آیات قرآن و آنچه از

رسول اکرم (ص) و صحابه و تابعین نقل می‌شد، صورت می‌گرفت. اما از نظر

شیعه، تفسیر اثری عبارت است از: تبیینی که در خود قرآن کریم آمده و یا در

روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است.

### مرحله اول: تفسیر در عصر پیامبر اکرم (ص)

از جمله مسائل مورد بحث این است که، آیا آشنایی صرف به زبان

عربی برای فهم قرآن و بیان مقاصد آن کافی است؟

برخی معتقدند، چون قرآن به زبان عربی نازل شد و اسلوب آن با این

زبان هماهنگ بود، لذا تمام اعراب عصر پیامبر (ص) معانی آن را درک

می‌کردند. اما بر اساس شواهد موجود، پیامبر گرامی اسلام (ص) آیات مجمل

قرآن را بیان و تشریح می‌نمودند و ناسخ را از منسوخ باز می‌شناساندند و آنها را به

اصحاب خویش می‌آموختند.

ابن قتیبه می‌گوید: «عربها در شناخت تمام حقایقی که در قرآن است؛ از غریب و متشابه، یکسان نبوده و برخی از آنان بر برخی دیگر برتری داشتند.»<sup>۱۱</sup>

پیامبر اکرم (ص)، نخستین مبین و مفسر قرآن بود. چون هرگاه برای صحابه و معاصران وی، در فهم قرآن مشکلی پیش می‌آمد به او مراجعه می‌کردند، تا آن حضرت آن را تفسیر نماید.

بنابراین در پاره‌ای از آیات قرآن، الفاظ و تعابیر مشکلی وجود داشت که حتی عرب زبانان نیز مفهوم درست و صحیح آن را درک نمی‌کردند و لازم بود توسط فرد آگاهی، تفسیر گردد.

به گمان قوی می‌توان گفت که تنها نزول قرآن کریم به زبان عربی، اقتضاء نمی‌کرد که همه اعراب آن را بفهمند. چون فهم و برداشت آنان از قرآن، تنها به شناخت و معرفت لغت بستگی نداشت؛ بلکه به عقل و شعور خاصی نیاز داشت که با عظمت کتاب آسمانی هماهنگ باشد و به همین سبب عربها هر مطلبی از قرآن را بر حسب قدرت و توان عقلی خود درک می‌کردند.

از این رو پیامبر گرامی اسلام از اسرار قرآن پرده برمی‌داشت و مقاصد و اهداف آن را برای اصحاب توضیح می‌داد. وظیفه او صرفاً تبلیغ نبوده است و خداوند متعال علاوه بر امر تبلیغ، او را به بیان دلالت کلام خدا و بیان معنی و مقصود خود آیات امر نموده است.

در تأیید اینکه پیامبر اکرم (ص) نخستین مفسر قرآن بوده است، سیوطی در خاتمه کتاب «الاتقان»، بخش قابل ملاحظه‌ای از آیات قرآنی را که به وسیله پیامبر (ص) تفسیر شده است، مطرح نموده و می‌نویسد: «تفسیر این آیات از طریق روایاتی است که به پیامبر (ص) منسوب است.»

### مرحله دوم: تفسیر در عصر صحابه

بعد از رحلت نبی اکرم (ص)، مرحله دیگری برای تفسیر قرآن کریم آغاز گردید که پیشتاژان امر تفسیر، یعنی صحابه، بار آن را به دوش می کشیدند. فهم آنان از معانی قرآن در یک سطح نبود؛ بلکه مراتبشان متفاوت بوده است. این اختلاف به تفاوت آنان در قوه تعقل و در شناخت و معرفت شرایط و اوضاع و آنچه در پیرامون قرآن اتفاق می افتاد، مربوط می شد. و نیز آنان در شناخت معنی هایی که مفردات برای آنها وضع شده بود، یکسان نبودند. بنابراین تفاوت هایی میان صحابه در فهم قرآن وجود داشته و هر یک از آنان بنا به درک و فهم خویش، استفاده های متفاوتی از آیات قرآن کریم می کردند.

مسروق گوید: «با اصحاب محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» مجالست می نمودم آنان را مانند برکه آبی یافتم. گاهی برکه ای که مردی را سیراب می کند. و برکه آبی که دو مرد را، و برکه آبی که ده نفر را، و برکه آبی که صد نفر را، و برکه ای که اگر بر آن اهل زمین در آیند، همه را سیراب باز می گرداند.»<sup>۱۲</sup>

می توان گفت که علی رغم مصاحبت صحابه با رسول خدا (ص)، به علت اختلافاتی که هر یک در فهم قرآن داشتند هر یک به قدر ظرفیت خود از آیات روشنگر الهی بهره مند می گردیدند؛ همان گونه که هنگام نزول باران، از هر یک از مسیل هایی که در محل نزول باران قرار دارند، به اندازه بزرگی و وسعتشان آب جاری می گردد.

## منابع صحابه در تفسیر قرآن کریم

از آنجا که در قرآن، ایجاز و اطناب، مجمل و مبین، مطلق و مقید، و عام و خاص وجود دارد؛ بنابراین اولین منبعی که صحابه در تفسیر قرآن به کار گرفتند، خود قرآن کریم بود. زیرا موضوعی که در آیه‌ای از قرآن به صورت مختصر بیان شده، در جای دیگر از قرآن به صورت مشروح بیان شده است. مطلبی که در آیه‌ای از قرآن به صورت مجمل بیان گردیده، در جای دیگر به صورت مبین آمده است. و آنچه در جایی از قرآن به صورت مطلق آمده، در جای دیگر مقید ذکر شده است. و مطلبی که در آیه‌ای از آن به صورت عام آمده، در آیه دیگری به صورت خاص آمده است.

دومین منبعی که مورد استفاده آنان واقع شد، پیامبر اکرم (ص) بود. صحابه، آنچه را که فهمش برای آنان دشوار بود از آن حضرت می‌پرسیدند تا مطلبی را که بر آنان پوشیده بود، بیان کند.

منبع و مأخذ دیگر برای تفسیر صحابه استنباط و اجتهاد شخصی آنان بود. و آن هم درباره مطالبی بود که نصی از قرآن یا سنت در مورد آنها نمی‌یافتند.

ذهبی می‌نویسد: «منبع دیگر برای تفسیر، در عهد صحابه عبارت از اهل کتاب اعم از یهود و نصاری بود. علت استفاده از اخبار اهل کتاب در تفسیر قرآن، آن بود که موارد مشابه و مشترکی میان قرآن و تورات و انجیل وجود دارد. قرآن مانند تورات بسیاری از قضایا و تاریخ انبیاء و اتمهای پیشین را ذکر می‌کند، همانطوری که مانند انجیل به زندگانی حضرت عیسی (ع) و معجزات آن حضرت می‌پردازد.»<sup>۱۳</sup>

قرآن، روشی برخلاف روش تورات و انجیل دارد. قرآن کمتر به ذکر جزئیات می‌پردازد و در هر مورد تنها به موضع عبرت بسنده می‌کند. به این سبب بود که عده‌ای از صحابه برای تکمیل معلومات خود در مورد مسائل تاریخی مذکور در قرآن، که در تورات و انجیل با شرح و بسط بیشتری مطرح گردیده بود، به اهل کتاب که تازه اسلام آورده بودند، رجوع می‌کردند. و این مراجعه به مسائل عقیدتی و آنچه مربوط به احکام است، مربوط نمی‌شد.

مأخذ دیگر برای تفسیر در عهد صحابه، اشعار و ادیبات عرب بود. گویند: «از ابن عباس درباره قرآن، سؤال می‌شد و او درباره آن شعر انشاد می‌کرد، یعنی شعر را برای تفسیر شاهد می‌آورد.»

### مشخصات تفسیر در عصر صحابه

- تفسیر قرآن در عصر صحابه به صورت روایت و حدیث بیان می‌شد.
- در این زمان تفسیر، شاخه‌ای از «علم الحدیث» بوده است. مشخصات تفسیر در این عصر عبارت است از:
- ناچیز بودن اختلاف میان مفسران؛ چون عوامل اختلاف که عبارت بود از منازعات در مسلک و اعتقادات مذهبی، گسترش چندانی نداشت.
- اکتفاء به شرح و تفسیر مختصر در توضیح آیات؛ قرآن با ضوابط ادبی و کلامی و فلسفی و ... تفسیر نمی‌شد.
- کمی استنباط احکام فقهی از آیات قرآنی، و آن به خاطر توافق آراء در مباحث میان آنان بود.
- خالی بودن تفسیر از مسایلی که به «اسرائیلیات» معروف بود که در مراحل بعدی همین‌ها در تفسیر ظاهر شد.



- تفسیر در این مرحله به خاطر کمبود تدوین در این عصر، شفاهی ایراد می‌گردید و اغلب در حافظه‌ها نگهداری می‌شد.

### مرحله سوم: تفسیر در عصر تابعین و تابعین تابعین

بعد از اتمام عصر صحابه، مرحله جدیدی از مراحل تفسیر اثری آغاز شد که لوای تفسیر را علمایی از تابعین حمل کردند که نزد صحابه شاگردی کرده بودند. در این عصر به دلیل گسترش اسلام و گرایش مردم به این آیین، نیاز به تفسیر قرآن کریم، بیش از پیش احساس می‌شد. و آن به دلیل فاصله زمانی از عهد رسول خدا(ص) و اختلاط آنان با غیر عربهایی بود که به اسلام گرویده بودند و از زبان عربی چیزی نمی‌دانستند. در میان تابعین، افرادی بودند که در تفسیر قرآن کریم شهرت خاصی داشتند و برای معاصران خود معانی مشکل قرآن را توضیح می‌دادند.

در دوره تابعین، احادیث تفسیری از مجموعه احادیث جدا شد و در ابواب خاصی تدوین گشت.

در این مرحله با گسترش اسلام و تماس مسلمین با فرق مختلف و دانشمندان مذاهب دیگر، بحثهای کلامی، عقلی و فلسفی، عرفانی و ... در میان آنان گسترش یافت. این عوامل، اختلافات شدید مذهبی و اختلاف در روش تفسیری را به همراه داشت، آن گونه که طرز بحثهای آنان درباره معانی آیات قرآن با یکدیگر متفاوت گشت، و در مسائل مختلف دچار اختلاف شدند.

### منابع تابعین در تفسیر قرآن کریم

تابعین در تفسیر قرآن، ابتدا به آنچه در خود قرآن، از تخصیص عام و تقید مطلق و تبیین مجمل و ... آمده است، اعتماد می‌کردند. سپس به روایاتی که صحابه از رسول گرامی اسلام (ص) نقل می‌کردند، رجوع نمودند. و در مورد مسائلی که نصی از قرآن و سنت نمی‌یافتند به سخنان اهل کتاب توجه می‌نمودند؛ البته اعتماد به اجتهاد و اظهار نظر شخصی نیز در میان تابعین رواج داشت.

### مراکز تعلیم تفسیر یا مکاتب تفسیری

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام با گسترش دامنه فتوحات اسلامی، بسیاری از صحابه شهر مدینه را ترک کرده و در شهرهای فتح شده اقامت نمودند. افرادی از میان صحابه در حکومت اسلامی به عنوان فرماندار، قاضی، معلم و خزانه‌دار برگزیده شدند. این گروه معارفی را که از رسول گرامی اسلام فرا گرفته بودند در اختیار تابعین قرار دادند. بنابراین، مراکزی برای تفسیر قرآن تشکیل شد که استادان آنها صحابه‌ها بودند و دانشجویان آنان تابعین.

در عصر تابعین سه مدرسه تفسیری در شهرهای مهم اسلامی به وجود آمد که عبارتند از: مدرسه مکه، مدرسه مدینه و مدرسه عراق (بصره و کوفه).  
مکتب تفسیری مکه به عهده عبدالله بن عباس بود چون اغلب مفسران مکه از شاگردان او بودند. وی در میان آنان می‌نشست و قرآن را تفسیر می‌کرد و آیات مشکل را توضیح می‌داد. شاگردانش تفسیر آیات قرآنی را از وی فرا گرفته و برای دیگران نقل می‌کردند. معروفترین مفسران مکه عبارت بودند از: سعید بن جبیر، مجاهد بن جبر، عکرمه، طاووس بن کیسان یمانی، عطاء بن ابی رباح.

مکتب تفسیری مدینه به اُبی بن کعب قائم بود و اهل مدینه در تفسیر قرآن از او پیروی می‌کردند. علت آن شهرت اُبی بن کعب در تفسیر می‌باشد. عده‌ای از مفسران مشهور مدینه عبارتند از: ابوالعالیه، محمد بن کعب قرظی، وزید بن اسلم.

مکتب تفسیری عراق بر عبدالله بن مسعود قائم بود. و مفسران عراق در تفسیر خود از او پیروی می‌کردند؛ اگر چه غیر از او صحابه دیگری آنجا حضور داشتند ولی او استاد اول این مکتب محسوب می‌شد و از نظر کثرت روایات تفسیری از شهرت بسزایی برخوردار بوده است.

اهل عراق اهل رأی و نظر بودند و علما گویند: اساس این طریقه در استدلال را «ابن مسعود» بنا نهاد، و پس از او علمای عراق از او به ارث بردند. مشهورترین رجال تفسیر در مکتب عراق عبارتند از: علقمة بن قیس، مُرّة همدانی، مسروق، أسود بن یزید، عامر شعبی، جابر بن یزید جُحَفی، اسماعیل بن عبدالرحمن کوفی معروف به سَدی کبیر، حسن بصری، قتاده، ابوصالح بصری و ...

### ویژگیهای تفسیر در عصر تابعین

- ۱- راه یافتن اسرائیلیات به تفسیر قرآن
- ۲- گسترش نسبی روش «تفسیر به رأی»
- ۳- ظهور جوانه‌های اختلافات مذهبی در تفسیر تابعین
- ۴- در این عصر اختلاف میان تابعین از اختلاف میان صحابه بیشتر و مشهورتر است، هر چند نسبت به اختلافات بعدی اندک باشد.

## ویژگیهای تفسیر در عصر تابعین تابعین

- ۱- در این عهد قرآن کریم به طور کامل، به صورت آیه‌ای بعد از آیه دیگر، تفسیر نگردید.
- ۲- عمده اعتماد مفسران به روایات تفسیری منقول از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و اصحاب پیامبر (ص) و تابعین بوده است.
- ۳- تفاسیر این مرحله از خطاهایی که مفسران پیشین مرتکب شدند، مصون ماند. مفسرانی که استنباط و استدلال را به کار بستند.<sup>۱۴</sup>
- ۴- التزام به ذکر سلسله سند در نقل روایت تفسیری برای آیه.

## مصادر تفسیر اثری

## ۱- قرآن کریم

مشتمل بودن قرآن بر ایجاز و اطناب، اجمال و تبیین، اطلاق و تقید، و عام و خاص زمینه‌ای را فراهم آورده تا پاره‌ای از آیات قرآن با آیات دیگر تفسیر گردد. تفسیر قرآن با قرآن، یک روش قدیمی در میان مفسران است که از عهد رسول گرامی اسلام رایج بوده است. عده‌ای از علما آن را اولین و صحیح‌ترین روش، در تفسیر قرآن به شمار آورده‌اند.

پیامبر (ص) اولین کسی است که در تفسیر بعضی آیات از آیات دیگر بهره می‌گرفت. این گونه روش به عصر نزول قرآن محدود نبوده و علاوه بر رسول گرامی اسلام (ص)، ائمه اطهار (علیهم السلام)، صحابه و تابعین نیز، این اسلوب را در تفسیر قرآن کریم اختیار نمودند.

علاء طباطبایی می‌فرماید: «مراد از اینکه قرآن را با قرآن تفسیر کنیم، این است که توضیح آیه‌ای را به وسیله تدریج و دقت از آیه دیگر بخواهیم و

مصادیق را به وسیله خواصی که خود آیات به دست می دهند بشناسیم. چگونه ممکن است قرآن مایه هدایت و میزان سنجش خوب و بد و وسیله روشنی برای عالمیان باشد، ولی در موضوع فهم خود آیات قرآن که جهانیان نیاز شدید به آن دارند، آنها را مستغنی نسازد.<sup>۱۵</sup>

در مورد ارزش سنت در تفسیر قرآن با قرآن، دو نظریه متفاوت وجود دارد:

۱- عده‌ای معتقدند در تفسیر قرآن کریم به سنت نیازی نیست و نباید در فهم مقاصد و معانی قرآن به روایات اعتماد نمود؛ آنان ارزش تفسیری روایات را انکار می‌کنند.

۲- عده‌ای دیگر معتقدند درست است که قرآن خود، مبین خویش است، ولی روایات صحیح می‌تواند به منظور تشریح آیات احکام و قصص و تشریح برخی از اموری که در قرآن به اختصار بیان شده است، مورد استفاده قرار گیرد.

علامه طباطبایی معتقد است که روایات برای تأکید و تأیید مفاهیمی است که با انضمام آیات به یکدیگر و تدبیر در آنها استنباط می‌گردد.

بنابراین از مجموع مطالب مذکور نتیجه می‌گیریم که تفسیر قرآن با قرآن سرآغازی برای «تفسیر اثری» است و همچنین کوچکترین اختلافی میان واضح بودن کلام قرآن، و لزوم استفاده از سنت، در مورد بخشی از حقایق قرآنی وجود ندارد.

## ۲- تفسیر ماثور از رسول خدا(ص)

دومین منبعی که برای فهم و تفسیر قرآن باید به آن رجوع کرد حضرت رسول اکرم(ص) می‌باشد. هر وقت برای صحابه در فهم قرآن مشکلی روی

می داد به آن حضرت مراجعه می کردند، و از آنجا که وظیفه پیامبر (ص) بیان و توضیح و ارشاد بود، آنان را در فهم مشکلات قرآن راهنمایی می کرد. بر مفسر قرآن کریم لازم است ابتدا روش تفسیر قرآن با قرآن را در پیش گیرد چون این روش از بهترین منابع تفسیر اثری است. و بعد از آنکه نهایت تلاش خود را به کار برد به مأثور از رسول خدا (ص) منتقل شود و روایاتی از آن حضرت که با سند صحیحی، کتاب خدا را تفسیر می کند، نصب العین خود قرار دهد؛ چون خداوند متعال علاوه بر نزول قرآن بر رسولش، او را به تبیین هدف از آن امر نموده است تا حجت خدا بر بندگانش تمام گردد.

علامه طباطبایی می گوید: «آیه: وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»<sup>۱۶</sup> بر حجیت کلام رسول خدا (ص) در تبیین آیات قرآن دلالت دارد و چنان نیست که بعضی گفته اند کلام رسول خدا (ص) تنها در تفسیر متشابهات و آیات مربوط به اسرار الهی و تأویلات آن دارای حجیت است.»<sup>۱۷</sup>

بنابراین، با وجود این که روش تفسیر قرآن با قرآن مطمئن ترین راه برای فهم قرآن و مفاهیم و مقاصد آن است؛ ولی همه آیات را از این طریق نمی توان تفسیر نمود. چون علاوه بر حقایقی که از ظواهر لفظ قرآن بدست می آید، یک سلسله حقایق و معانی عمیقی وجود دارد که تنها پیامبر (ص) و اهل بیت آن بزرگوار از طریق ارتباط با وحی به آنها دست می یابند.

### ۳- تفسیر مأثور از اهل البیت (ع)

پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

«إِنِّي نَارِكُ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي، اهل بیتی»

طبق مفاد این حدیث آن حضرت می فرماید: ثقل دومی در کنار قرآن وجود دارد که از آن جدا نمی شود. اگر یک مورد ثقل اصغر برخلاف حق عمل نمود، باید از قرآن جدا گردد. از این سخن در می یابیم که این ثقل دوم هم مصون است.

اهل البیت عبارتند از: رسول خدا(ص)، علی بن ابی طالب(ع)، فاطمه زهرا(س)، حسن بن علی(ع)، حسین بن علی(ع) و اولاد امام حسین(ع). منشأ نام گذاری آنان به اهل البیت عبارت است از آیه شریفه:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>۱۸</sup>

از ام سلمه نقل شده است که پیامبر(ص) در خانه خود بود که فاطمه(س) پارچه حریری نزد آن حضرت آورد، پیامبر(ص) فرمود: همسر و دو فرزندت حسن و حسین را صدا کن. آنان را آورد، سپس غذا خوردند؛ بعد پیامبر(ص) عبايي بر آنان افکند و گفت:

«اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِتْرَتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»

در این هنگام بود که آیه مذکور نازل شد. گفتیم: «آیا من هم با شما هستم؟» رسول خدا(ص) فرمود:

«إِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ»

شیعه طبق نص قرآن مجید، قول پیامبر اکرم(ص) را در تفسیر آیات قرآنی حجت می داند و برای اقوال صحابه و تابعین مانند سایر مسلمین هیچ گونه حجیتی قائل نیست، مگر از راه روایت از پیامبر اکرم(ص). طبق نص خبر متواتر ثقلین، قول عترت و اهل البیت را «تالی تلو» قول پیامبر(ص) و همانند آن

حجت می‌داند و به همین جهت در نقل و اخذ روایات تفسیری، تنها به روایاتی که از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده اکتفاء کرده‌اند. بنابراین عترت نیز مانند قرآن از خطا و لغزش مصون است و مسلمین موظفند از این دو امانت گرانها پیروی کنند و این دو یادگار رسالت، هرگز از یکدیگر جدا شدنی نیستند. علاوه بر این حدیث ثقلین، دلیل محکمی است بر اینکه تفسیر قرآن نزد عترت و اهل بیت پیامبر (ص) است و باید برای فهم صحیح قرآن به احادیثی که از جانب ائمه (علیهم السلام) ارائه شده، رجوع کنیم.

#### ۴- تفسیر مأثور از صحابه

در اصطلاح حدیث، صحابه کسی است که پیامبر اکرم (ص) را در حال اسلام دیدار کرده باشد. در مورد حجیت قول صحابه در تفسیر آیات قرآن کریم، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند اگر یکی از صحابه راجع به آیه‌ای از قرآن کریم این گونه گزارش کند که «نَزَّلَتْ فِي كَذَا: آیه درباره فلان امر نازل شده است.» باید خبر و گزارش او را به عنوان «مُسْتَدَّ» برشمرد.<sup>۱۹</sup> برخی دیگر گویند: تفسیر صحابی از موقوفات است نه مرفوعات، مگر در اسباب نزول. مسلماً هر وقت صحابه‌ها بیان بخشی از قرآن را در اخبار مرفوعه پیامبر (ص) نمی‌یافتند، به اجتهاد خویش متوسل می‌شدند. پس بیشتر تفاسیری که از آنان یا تابعین نقل شده از موقوفات است و الزامی در اخذ آنها نیست. اما در مورد اسباب نزول آیات، برخی استدلال کرده‌اند که راهی به دانستن آن جز از طریق صحابه وجود ندارد.



### ۵- تفسیر مأثور از تابعین

تابعی کسی است که خود پیامبر اکرم (ص) را دیدار نکرده باشد ولی اصحاب آن حضرت را در حال اسلام دیدار نموده باشد. در قبول روایاتی که از تابعین در تفسیر قرآن وارد شده است، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای، روایات تفسیری مفسرین سلف از تابعین را پذیرفته و استدلال کرده‌اند که آنها گفته‌هایشان را از صحابه دریافت می‌کردند؛ عده‌ای دیگر به طور مطلق نمی‌پذیرند؛ و جمعی هم به تفصیل معتقدند.

شیخ طوسی در این مورد می‌فرماید: «رسول اکرم (ص) مسلمین را به قرائت قرآن و تمسک به محتوای آن و ارجاع روایات متفاوت مربوط به فروع دین به قرآن، تشویق نموده است.» و نیز می‌افزاید: «فقه‌های شیعه معتقدند: تفسیر قرآن جز با حدیث صحیح پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) که قول آنان مانند گفتار پیامبر (ص) حجت است، جایز نیست.»<sup>۲۰</sup>

احمد بن حنبل در این باب دو قول دارد. قولی در قبول و قولی در عدم قبول تفسیر تابعین.

ابوحنیفه گوید: «آنچه از پیامبر اکرم (ص) به ما رسیده، با سر و دیدگان خود پذیرا هستیم، و آنچه از صحابه رسیده، اختیار می‌کنیم؛ اما آنچه از تابعین رسیده، آنان افرادی هستند و ما نیز افرادی [که در انتخاب آزادیم].»<sup>۲۱</sup> با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت: قبول قول تابعین الزامی نیست و شیعه معتقد است آنچه از تابعین نقل شده به خودی خود حجت ندارد.

### خصوصیات تفسیر اثری

در ضمن مباحث پیشین منابع تفسیر اثری را بازگو کرده و متذکر شدیم که قرآن و سنت، با توجه به میزان دلالتشان در کشف از هدف پروردگار، از مهمترین منابع به شمار می‌روند. اگر چه این دو از نظر بیان مراد از کلام الهی، در یک سطح قرار ندارند؛ اما در هر حال با تکیه بر آن دو به مقصود الهی از کلامش در قرآن رهنمون می‌شویم.

از خصوصیات دیگر تفسیر اثری آن است که به علت اعتماد بر نصوص قدیمی موثق - که بسیاری از آنها به پیامبر اکرم (ص) اسناد داده شده است - مطمئن بودن این روش کاملاً آشکار است. و این نصوص از نبی اکرم (ص) یا اهل بیت پاک آن بزرگوار، و یا صحابه و تابعین منقول می‌باشند. زرکشی می‌نویسد: «بدون تردید در علم تفسیر مطالبی وجود دارد که فقط از طریق نقل امکان پذیر است؛ مانند: سبب نزول، نسخ، تبیین مجمل و غیره.»<sup>۲۲</sup>

بنابراین، می‌توان گفت که بهترین مأخذی که کلام الهی را تفسیر می‌کند خود قرآن و سنت نبوی است. تفسیر قرآن با قرآن، روشی است که دلالتش در کشف از مراد الهی، قطعی است. اما راههایی که به بیان سنت از احکام الهی منتهی می‌گردد، میان قطع و ظن متغیر می‌باشد؛ لذا علماء، سنت نبوی را به اعتبار روات آن از رسول اکرم (ص) به دو طریق قطعی و غیر قطعی تقسیم کرده‌اند.

### بررسی تفسیر اثری

با وجود این که در اثر فتوحات اسلامی، مسلمین با فِرَق مختلف برخورد نموده و بحثهای کلامی در میان آنها شیوع یافت و یا با ترجمه فلسفه یونان به زبان عربی، دامنه بحثهای عقلی و فلسفی گسترش پیدا کرد؛ اما هیچ یک از روشهای تفسیری از جمله روش عقلی، فلسفی، علمی، صوفی، باطنی، ادبی و ... از اهمیت تفسیر اثری نکاسته است. چون پاره‌ای از علوم و معارف جز از طریق روایت به دست نمی‌آید.

وقتی در این روش بنا به اعتقاد شیعه، تفسیر قرآن از طریق آثاری است که از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده؛ اختلاط آن آثار صحیح با غیرش، روش روایی را در معرض انتقاد قرار داده است. برای اینکه دامن تفسیر اثری را از این آلودگیها پاک کنیم، باید اموری را مورد توجه قرار دهیم:

از آنجا که سند حدیث، وسیله اعتماد به حدیث است، لذا در ارزیابی روش اثری، نخست پیرامون احوال یکایک رجال سند از لحاظ عدالت و وثوق و اعتماد به روایت و نقل آنان، تحقیق و پژوهش صورت می‌گیرد.

علاوه بر آن چون تفسیر اثری، شاخه‌ای از علم حدیث است، با آغاز جعلی در حدیث، در تفسیر نیز وضع و جعل صورت گرفت. پس اصطلاحاتی را که در حدیث - از صحیح، حسن، ضعیف و ... - و در روایت آن - که آیا ضابط و عادلند و یا به وضع و جعل معروفند - می‌بینیم. مانند آن را در مرویات تفسیری و مفسرین آن مشاهده می‌کنیم.

## نتیجه گیری:

با توجه به مطالب مذکور می توان گفت، چون علم تفسیر از زمان نزول قرآن، یعنی عصر رسول خدا(ص) مورد توجه مسلمین بود؛ تفسیر اثری که اولین روش در تفسیر قرآن است، از مهمترین روشهای تفسیری محسوب می شود.

حجیت روایات اهل البیت (علیهم السلام) به عنوان یکی از منابع مهم تفسیری، از طریق حدیث متواتر ثقلین به اثبات رسیده است؛ پس، همان گونه که رسول گرامی اسلام(ص) مبین و مفسر وحی بود، اهل البیت (علیهم السلام) هم مفسر قرآن هستند.

آنچه روش روایی را در معرض نقد و انتقاد قرار داده، اختلاط آثار صحیح با غیر آن و ورود روایات اسرائیلی در میان مرویات تفسیری است. لذا با جرح و تعدیل افراد سلسله سند، شناسایی اسرائیلیات، ارزیابی اسباب جعل حدیث، و ... می توان دامن تفسیر اثری را از این آلودگیها پاک و پیراسته گرداند.

پی نوشت:

- ۱- التحل / ۴۴
- ۲- المدثر / ۳۴
- ۳- سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، دکتر سید محمد باقر حجتی، ص ۱۲
- ۴- لسان العرب، ابن منظور، ج ۵، ص ۵۵
- ۵- معجم مقایس اللغة، ابن فارس، ج ۴، ص ۵۰۴
- ۶- مناهل العرفان فی علوم القرآن، زرقانی، ج ۱، ص ۴۷۰
- ۷- المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۴
- ۸- یس / ۱۲
- ۹- لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۶۹-۷۱
- ۱۰- الصافات / ۷۰
- ۱۱- علوم التفسیر، عبدالله شحاته، ص ۱۰
- ۱۲- التفسیر و المفسرون، ذهبی، ج ۱، ص ۳۶
- ۱۳- التفسیر و المفسرون، ذهبی، ج ۱، ص ۶۱
- ۱۴- مقدمة فی اصول التفسیر، ابن تیمیه، ص ۹۸ به نقل از المنهج الأثری، ابوطبره، ص ۵۸
- ۱۵- المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱، ص ۱۰
- ۱۶- التحل / ۴۴
- ۱۷- المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱۲، ص ۲۶۱
- ۱۸- الأحزاب / ۳۳

- ١٩- اسباب النزول، دكتور سيد محمد باقر حجتي، ص ١٧١
- ٢٠- التبيان، شيخ طوسي، ج ١، ص ٤
- ٢١- التفسير و المفسرون، ذهبي، ج ١، ص ١٢٨
- ٢٢- البرهان في علوم القرآن، زركشي، ج ٢، ص ١٧١

منابع:

- قرآن کریم با ترجمه فولادوند، محمد مهدی، دار القرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی قم، چاپ اول ۱۳۷۳ ش
- ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم، مقدمة فی اصول التفسیر، دار القرآن الکریم، بیروت، لبنان ۱۳۹۱ هـ / ۱۹۷۱ م
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقایس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، جمادى الآخرة ۱۴۰۴
- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م
- ابوطبره، هدی جاسم محمد، المنهج الأثری فی تفسیر القرآن الکریم، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۳۷۲ هـ ش / ۱۴۱۴ هـ ق
- حجتی دکتر سید محمد باقر، سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، بنیاد قرآن ۱۳۶۸
- حجتی دکتر سید محمد باقر، اسباب النزول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم ۱۳۶۹
- ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى ۱۳۸۱ هـ ق
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان ۱۴۱۲ هـ

- زركشى، بدرالدين محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، دار احياء الكتب العربية، ١٣٧٧ هـ
- شحاته، عبدالله، علوم التفسير، مكتبة نهضة الشرق بجامعة القاهرة ١٩٨٦
- طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، دارالكتب الاسلامية، پائيز ١٣٦٢ چاپ چهارم
- طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، التبيان الجامع لعلوم القرآن، تحقيق احمد حبيب عاملى، نجف ١٣٦٤ هـ دار احياء التراث العربى